



امام زمان (عج) به بشریت مفهوم عدالت واقعی را نشان خواهد داد / عدالت فلسفه بزرگ مهدویت

عدالت فلسفه بزرگ مهدویت است. امام زمان (عج) به بشریت، مفهوم عدالت واقعی را نشان خواهد داد. دولت آن حضرت مقرون به عدل و عقل و وحدت عمومی است، اصلاً ما حضرت مهدی را به قیام و عدالت می‌شناسیم، هر امامی به یک صفت شناخته می‌شود، این امام به قیام و عدالت.

خبرگزاری مهر - گروه دین و اندیشه: عدالت فلسفه بزرگ مهدویت است. امام زمان (عج) به بشریت، مفهوم عدالت واقعی را نشان خواهد داد، دولت آن حضرت مقرون به عدل و عقل و وحدت عمومی است، اصلاً ما حضرت مهدی را به قیام و عدالت می‌شناسیم، هر امامی به یک صفت شناخته می‌شود، این امام به قیام و عدالت.

کلیات عدالت: مفهوم، تقسیم‌بندی و ویژگی‌ها

عدالت از صفات الهی است (1) که به مفهوم رعایت حقوق افراد و عطا کردن به هر ذي حق حق او را آمده است (2). عدالت به مفهومی که گفته‌اند از شئون فاعلیت خداوند یعنی از صفات فعل است (3).

عدالت از یک نظر ملازم است با مساوات، یعنی همه را به چشم مساوی نگرستن و تبعیض قائل نشدن (4). به عبارتی عدالت رعایت مساوات است در شرایط مساوی نه در شرایط نامساوی (5) تناسب میان وظیفه و بهره، تکلیف و حق (6)، به عبارتی رعایت توازن در اجتماع را عدالت می‌گویند (7).

عدالت مقدس‌ترین، مقدسات بشر است، لااقل در مقدسات اجتماعی از قبیل آزادی، دموکراسی و مساوات، زیرا تأمین کننده همه آنهاست (8).

عدالت اجتماعی به معنی رعایت مساوات در جعل قانون و در اجرای آن است (9) یعنی همه مردم بهره و سهمی را که بالقوه در زمین یا در اجتماع دارند و آنرا به فعلیت برسانند به آن برسند (10) البته عدالت، قطع نظر از اجتماع هم مفهوم دارد (11)، فلاسفه قدیم عدالت اخلاقی را یکی از دو وجهه کمال نفس می‌دانستند (12). شرط عدالت یعنی شرط واجد بودن عالی‌ترین نیروی اخلاقی (13).

حال این سؤال پیش می‌آید که آیا عدالت حقیقت دارد و نفس الامر است یا مفهومی نسبی است (14). مسئله نسبت عدالت به اساس خاتمیت و ابدیت دین بستگی دارد چون دین، آنرا از هدف‌های انبیاء می‌داند (15). عدالت امری فطری است (16) که انسان در اعماق وجدان و دراکه خود عاشق آن است (17).

عدالت از منظر دین

گفته‌اند علت اینکه بشر به سوی دین گراییده علاقه‌ای است که به نظم و عدالت دارد (18) به حکم قرآن یکی از هدف‌های رسالت انبیاء، برقرار ساختن عدالت اجتماعی است (19). علمای اسلامی، عدل را در ردیف 171#«ریشه‌های دین" قرار داده‌اند و چهارمین اصل از اصول پنج گانه دین می‌شناسند (20) اسلام دستورهای خود را براساس عدالت تنظیم کرده است (21) تا آنجا که

دستور آن حتی درباره دشمن‌ها از حد عدالت خارج نشود(22).

عدالت قضایی نیز در اسلام فوق‌العاده مورد توجه است(23)، همچنین عدالت در خانواده؛ در دنیایی قبل از اسلام اصل عدالت به هیچ وجه رعایت نمی‌شد نه میان زنان و نه میان فرزندان(24) سیره رسول اکرم(ص) به ما عدالت در مرحله اجرا را می‌رساند که چگونه از هر جهت رعایت می‌کرد(25). علی بن ابی طالب(ع) شهید راه عدالت شد، او نه تنها خودش عادل بود بلکه مردی عدالت‌خواه بود(26). ایشان حکومت را برای اجرای عدالت قبول کردند(27).

از نظر علی(ع) آن اصل که می‌تواند تعادل اجتماع را حفظ کند و همه را راضی نگه دارد و به زوج اجتماع آرامش دهد عدالت است(28). ایشان در دوره خلافت خود موفق شدند بذر عدالت را در جامعه اسلامی بکارند(29). امام حسین(ع) نیز خود را فدای عدالت کرد(30). انقلاب اسلامی ما نیز اگر خواهد با موفقیت به راه خود ادامه دهد، راهی جز اعمال روش‌های عدالت‌جویانه و عدالت‌خواهانه در پیش ندارد(31). عدالت‌خواهی در پرتو تعلیمات اسلامی یکی از اهرم‌های اساسی بود که امام راحل(ره) همیشه روی آن پافشاری داشتند(32).

عدالت از منظر مکاتب مادی

شراسیماخوس در جمهوریت اعلام می‌کند، عدالت یعنی آنچه به سود قوی‌تر است(33). بعدها نیچه و ماکیاوول نیز چنین نظراتی درباره عدالت ارائه داده‌اند(34). نیچه می‌گوید، اصلاً بشر به عدالت ایمان ندارد، بلکه عدالت اختراع مردمان زبون است(35). عده دیگری نظیر راسل می‌گویند باید رفت دنبال عدالت، ولی نه به خاطر آنکه عدالت مطلوب ماست، بلکه به خاطر اینکه منافع فرد در عدالت جمع است(36). دسته سومی هم مثل مارکسیسم می‌گویند، علامت عملی است ولی نه از راه انسان بلکه از راه ابزار اقتصادی(37). امروزه هر کس تابع هر مکتبی هست، می‌گوید من طرفدار عدالت(38)، ولی در عمق خود به عدالت و مساوات پای بند نیست(39) و این طرح‌های عدالتی که در طول تاریخ ریخته‌اند ماهیتش، خدعه، فریب و استثمار بوده است(40).

لوازم و زمینه‌های ایجاد عدالت

حقیقت این است که عدالت و هر معنویت دیگری وابسته است به سر سلسله آنها یعنی ایمان به خدا(41). ایمان به عدالت بدون ایمان به خدا مفهومی ندارد(42). این نیروی ایمان و مذهب است که در عمق وجدان انسان چنگ می‌اندازد و انسان را تسلیم عدالت و اخلاق می‌نماید(43) نماز پشتوانه عدالت اجتماعی است(44)، تمام مقدساتی که جامعه بشر دارد، از جمله عدالت، تا پای دین در میان نباشد حقیقت پیدا نمی‌کند(45)، عدالت حاصل خودآگاهی در فرد است(46). برقراری عدالت اجتماع متوقف در 2 چیز است، اول وجود مقررات عادلانه و از آن مهمتر و بالاتر اجرای عدالت(47).

مقتضای عدالت آن است که تفاوت‌هایی که خواه ناخواه در اجتماع هست تابع استعدادها و لیاقت‌ها باشد، (48). ملاک عدالت، حکومت و تسلط عقل بر نفس است(49).

آثار عدالت

عدالت ما در همة فضائل اخلاقي است(50). به هر درجه که عدالت پيدا مي‌کنيم به همان نسبت مرتكب رذائل نمي‌شويم.(51).

زندگي سالم اجتماعي مستلزم آن است که عدالت را امري مقدس به حساب آورند(52). منشأ جنايات اجتماعي نبودن عدالت است.(53). حسن روابط اجتماعي مستلزم عدالت است، يعني هر کس به حقوق خود قانع و براي حقوق ديگران احترام قائل باشد(54). عدالت شرط اول هيات اجتماعي و نگهدار مرزهاي حقوقي است.(55). با از بين رفتن عدالت و آزادي، صلح جهاني به خطر خواهد افتاد.(56). مشکلات اجتماعي مدني را در، درجه اول عدالت اجتماعي حل مي‌کند(57). بنا بر اين عدالت اساس يك نظام است و يگانه عامل به وجود آورنده وحدت در آن مي‌باشد(58). بقاي زندگي بشر به خاطر اقدام به عدالت و اخلاق بوده است.(59).

عدالت در رفتار عمومي تأثيرگذار است(60) به طوري که مي‌توان گفت بي‌عدالتي عامل انحراف و سقوط فرد و جامعه است(61). در نظام خانواده نيز، عدالت سرچشمه تمايزات زن و مرد است(62)، همچنين بر مردمي که بيش از يك زن دارد، عدالت ميان زوجات واجب شده است(63).

عدالت غايت هستي

عدالت فلسفه بزرگ مهديت است(64). امام زمان به بشريت، مفهوم عدالت واقعي را نشان خواهد داد(65)، دولت آن حضرت مقرون به عدل و عقل و وحدت عمومي است(66)، اصلاً ما حضرت مهدي را به قيام و عدالت مي‌شناسيم، هر امامي به يك صفت شناخته مي‌شود، اين امام به قيام و عدالت(67). اسلام عاقبت بشر را عدالت مي‌داند(68) و وعده داده است، حکومت واحد جهاني، سراسر عدالت و ترقي خواهد بود(69)*.

منابع

1- مجموعه آثار ج 1، ص 87

2- مجموعه آثار ج 1، ص 80 و 78

3- مجموعه آثار ج 1، ص 88 و 87

4- مجموعه آثار ج 2، ص 541 و 540

5- مجموعه آثار ج 5، ص 89 و 80

6- یادداشت‌ها ج 1، ص 491 و 490

7- مجموعه آثار ج 21، ص 210

8- یادداشت‌ها ج 1، ص 53 و 46

9- یادداشت‌ها ج 6، ص 253

10 یادداشت‌ها ج 6، ص 248 و 239

11- یادداشت‌ها ج 1، ص 49 و 46

12- یادداشت‌ها ج 1، ص 413

13- مجموعه آثار ج 19، ص 360 و 358

14- یادداشت‌ها ج 6، ص 262 و 261

15- مجموعه آثار ج 21، ص 210

16- مجموعه آثار ج 13، ص 727

17- مجموعه آثار، ج 14، ص 38

18- مجموعه آثار، ج 3، ص 389

19- یادداشت‌ها، ج 6، ص 261

20- مجموعه آثار، ج 2، ص 86

21- مجموعه آثار، ج 4، ص 813 و 812

22- مجموعه آثار، ج 16، ص 81 و 78

23- مجموعه آثار، ج 20، ص 115 و 111

24- مجموعه آثار، ج 19، ص 358

25- یادداشت‌ها، ج 9، ص 149 و 131

26- یادداشت‌ها، ج 6، ص 247 و 239

27- مجموعه آثار ج 16، ص 432 و 430

28- مجموعه آثار ج 16، ص 437 و 434

29- مجموعه آثار ج 24، ص 229 و 228

30- مجموعه آثار ج17، ص 271 و 269

31- مجموعه آثار ج24، ص 234 و 233

32- مجموعه آثار ج24، ص 167

33- یادداشت‌ها ج1، ص 320 و 311

34- مجموعه آثار ج18، ص 156

35- مجموعه آثار ج18، ص 156

36- مجموعه آثار ج18، ص 157 و 156

37- مجموعه آثار ج18، ص 158 و 157

38- مجموعه آثار ج23، ص 672 و 671

39- مجموعه آثار ج25، ص 419 و 415

40- مجموعه آثار ج15، ص 1019 و 1117

41- یادداشت‌ها، ج 1، ص 50 و 46

42- یادداشت‌ها، ج 1، ص 51 و 46

43- مجموعه آثار ج 23، ص 519 و 516

44- یادداشت‌ها ج 6، ص 163 و 156

45- مجموعه آثار ج 3، ص 400

46- مجموعه آثار ج 2، ص 313

47- یادداشت‌ها ج 1، ص 47 و 46

48- مجموعه آثار ج 25، ص 252 و 251

49- یادداشت‌ها ج 11، ص 143 و 139

50- مجموعه آثار، ج 1، ص 61 و 59

51- مجموعه آثار، ج 4، ص 386 و 384

52- مجموعه آثار، ج 2، ص 49 و 45

53- یادداشت‌ها ج 6، ص 202 و 203

54- یادداشت‌ها ج 1، ص 476 و 471

55- یادداشت‌ها ج 3، ص 112 و 110

56- یادداشت‌ها ج 3 ص 224 و 223

57- یادداشت‌ها ج 5، ص 127

58- یادداشت‌ها ج 7، ص 398

59- مجموعه آثار ج 4، ص 313 و 311

60- مجموعه آثار ج 23، ص 745

61- مجموعه آثار ج 21، ص 42 و 41

62- یادداشت‌ها ج 5، ص 257 و 255

63- یادداشت‌ها ج 5، ص 305

64- مجموعه آثار ج 3، ص 363 و 358

65- مجموعه آثار ج 3، ص 363 و 358

66- مجموعه آثار ج 3، ص 362 و 358

67- مجموعه آثار ج 18، ص 114

68- مجموعه آثار ج 18، ص 164 و 161

69- مجموعه آثار ج 23، ص 652 و 651

*نویسنده: دکتر پریش کوششی، عضو هیئت علمی دانشگاه آزاد اسلامی.